

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی

امیر حسین جوزدانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

ایمیل: amir.jozani10@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۹۸۳۸۶۰۲۶

چکیده

بیداری اسلامی در کشورهای عربی موجب ایجاد امید و تحول در بین مردم این کشورها شد. این انقلاب‌ها از سال ۲۰۱۰ میلادی نمایان گردید و موجب دگرگونی چهره منطقه و اثر گذاری‌های داخلی و خارجی شد. برخی گرایش‌های فعلی در جغرافیای استراتژیک غرب آسیا، نتیجه بیداری اسلامی در کشورهای عربی است. این گرایش‌ها صرفاً در کشورهای عربی باقی نماند و اسرائیل را نیز تحت تأثیر خود قرار داد.

دیدگاه بانی سازمان‌های اطلاعاتی این رژیم از جنبش‌های عربی اقدامات اطلاعاتی - امنیتی، پی در پی به منظور متوقف ساختن نیروهای انقلابی، عملیات پنهانی و خرابکارانه در درون کشورهای عربی، جمع‌آوری گسترده اخبار و اطلاعات از تحولات انقلابی، بهره‌گیری و استقرار سیستم‌های پیشرفته فناورانه علیه کشورهای عربی، بخشی از اقدامات این سرویس‌ها علیه این انقلاب‌ها می‌باشد.

این مطالعه به ارزیابی امنیت اسرائیل اختصاص یافته است، زیرا اسرائیل یکی از مهم‌ترین دولت‌هایی است که رویدادهای منطقه عربی را با دقت و نگرانی زیر نظر دارد. اسرائیلی‌ها از مدت‌ها قبل نسبت به ظرفیت‌های نهفته انقلاب و مهیا بودن تمام شروط آن در کشورهای عربی مطلع بودند، زیرا استبداد در دهه‌های هشتاد و نود از قرن بیستم بر شرق اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا استیلا یافته بود.

کلید واژه: انقلاب، انقلاب عربی، اسرائیل، موساد، رژیم صهیونیستی.

انقلاب‌های عربی

انقلاب‌های عربی در جهان عرب فقط به کشورهای میزبان محدود نماند و اسرائیل را نیز تحت تأثیر امواج خود قرار داد. بعد از آنکه اسرائیل از شوک این انقلاب‌ها و تأثیر آن بر امنیت خود در منطقه خارج گردید و توانست وضعیت خود را در محیط بحرانی تثبیت کند به واسطه سازمان‌های امنیتی و نهادهای نظامی تصمیم ساز خود لحظه به لحظه تمامی رویدادهای این انقلاب‌ها را جهت پیش‌بینی رویدادهای آینده آن و تأثیرشان بر امنیت داخلی و خارجی خود را رصد می‌نماید.

همچنین ویژگی‌های اندیشه امنیتی اسرائیلی در برخورد با انقلاب‌های عربی در دو سطح کلان قابل طبقه‌بندی و تحلیل است:

- شکست فاجعه‌آمیز اسرائیل در پیش‌بینی وقوع انقلاب‌ها و مسیر آنها به واسطه ناتوانی مراکز پژوهشی و دستگاه‌های امنیتی و برآوردهای امنیتی و برآوردهای بخش اطلاعات نظامی

- نگرانی شدید اسرائیل در قبال خروجی این انقلاب‌ها بر اساس برآوردهای سازمان‌های امنیتی خود

اولین شراره‌های انقلاب‌های عربی از تونس بالا گرفت و به سوی مصر و لیبی و سپس یمن و سوریه و سایر دولت‌های عربی دامن‌گسترده. روشن است که این انقلاب‌ها جدا از نقشی که در آینده منطقه و نقشه سرزمینی کشورهای آن ایفا می‌کنند در قالب یک زلزله امنیتی، تمام نهادهای اطلاعاتی منطقه‌ای و جهانی را در هم ریخته‌اند.

نگاه اسرائیل به انقلاب‌های عربی توأم با دیده‌بانی، پیش‌بینی و نگرانی است و بر همین اساس سرویس امنیتی اطلاعاتی اسرائیل و نظارت آن بر انقلاب‌های عربی می‌نگرد تا از این راه بر سناریوهای آینده پس از انقلاب‌ها در کشورهای عربی اشراف یابد. قدر مسلم دولت‌هایی که با اسرائیل روابط سیاسی دارند و معاهده صلح امضاء کرده‌اند، بیش از سایر دولت‌های عربی مدنظر خواهند بود.

این نوشته تصمیم دارد از مسیرهای ذیل بر تعاملات امنیتی اسرائیل با انقلاب‌های عربی متمرکز شود:

- ۱- دیده بانی دستگاه‌های اطلاعاتی از جنبش‌های عربی در خیابان‌های اطراف و پایتخت اسرائیل
 - ۲- اقدامات اطلاعاتی امنیتی پی در پی به منظور متوقف ساختن پیامدهای منفی انقلاب‌های عربی بر سرنوشت اسرائیل
 - ۳- هماهنگی امنیتی سرویس‌های اسرائیل با نظام‌های عربی و سایر هم‌پیمانانش در جهان برای کنترل موج این انقلاب‌ها
- مطالعه حاضر سناریوهای آینده پس از انقلاب‌ها را نیز در نظر دارد تا بر روابط بین سناریوها و امنیت اسرائیل اختصاص یافته است، خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ میلادی وارد مسیری شده است که در مقیاس تاریخی با نهضت عربی در پایان قرن نوزدهم برای می‌کرد، عصری که دولت‌های عربی پس از جنگ جهانی اول از دل امپراتوری عثمانی سربرآوردند و مرزهای آنان بر اساس قرارداد بین فرانسه و بریتانیا ترسیم شد.

سرویس‌های امنیتی اسرائیل از سالیان قبل نسبت به ظرفیت‌های نهفته انقلاب و مهیا بودن تمام شروط آن در کشورهای عربی مطلع بودند، زیرا استبداد در دهه‌های هشتاد و نود از قرن بیستم بر شرق اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا استیلا یافته بود. جهان در قرنی که گذشت شاهد انتقال قدرت سیاسی از دولت‌های توتالیتر به نهادهای طرفدار آزادی بیشتر، رشد اقتصادی قوی‌تر و پیشرفت فنی عالی‌تر بود. بر این اساس، سرویس‌های امنیتی اسرائیل بارها در پژوهش‌ها و حلقه‌های فکری خویش همراه این سوال را مطرح می‌کردند که چرا جهان عرب در مسیر فوق‌گام بر نمی‌دارد؟

گمانه‌زنی‌های گذشته هم اکنون به واقعیت بدل شده و نشان می‌دهد که سرویس‌های امنیتی اسرائیل در برابر رویدادهای پیرامونی این رژیم اشغالی دست و پا بسته نبودند، پیگیری‌های مداوم اطلاعاتی اسرائیل از تحولات میدانی در پایتخت‌های عربی با نظر به زمینه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی آن در همین چارچوب قابل ارزیابی است. در نظر گرفتن این مهم که بخش اعظم فعالیت‌های اطلاعاتی امنیتی اسرائیل در کشورهای عربی همچنان پنهان است، اعراب در قبال اقدامات امنیتی اسرائیل اعم از بُعد داخلی که محدود به سرزمین‌های اشغالی است و بُعد خارجی آن واکنش خصمانه دارند.

سوال‌های این پژوهش

- ۱- چگونه دستگاه‌های امنیتی اسرائیل انتظار انقلاب‌های عربی نداشتند؟
 - ۲- ارزیابی امنیتی اسرائیل از اثرگذاری انقلاب‌های عربی بر فلسطین اشغالی چیست؟
 - ۳- نگاه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل بر ارزیابی این انقلاب‌ها چگونه است؟
- همچنین در کنار این سؤال‌ها به مطالعه و تحلیل تعداد از مهم‌ترین سناریوهای قابل پیش‌بینی برای منطقه خاورمیانه، می‌توان پرداخت.

دلایل و ویژگی‌های انقلاب‌های عربی

سرویس‌های امنیتی اسرائیل از طریق مراکز پژوهشی مرتبط با دستگاه‌های امنیتی و نظامی به آماده‌سازی ارزیابی‌های پی در پی از انقلاب‌های عربی سرگرم است. این ارزیابی‌ها طیفی از دلایل، عوامل، ملاحظات، اعتبارات، روزشمار، طرفداران و همراهان انقلاب‌ها را در بر می‌گیرد.^۱

از لابه‌لای تحقیقات منتشر شده توسط متخصصان اسرائیلی می‌توان به ویژگی‌های بسیار درباره انقلاب‌های عربی پی برد که عبارت‌اند از:

۱. انقلاب‌های عربی بدون رهبری است، به سختی می‌توان نام‌هایی را به عنوان رهبر جنبش‌ها مطرح کرد، شخصیتی قوی که بتواند این جنبش‌ها را رهبری کند یافت نمی‌شود؛
۲. انقلاب‌ها از ایدئولوژی سیستماتیک برخوردار نیست؛ اما از زمانی که اخوان المسلمین با فرایند انقلاب همراه شده است؛ رویکردی عقیدتی با محوریت اسلام سیاسی در جنبش دیده می‌شود. این در حالی است که مجموع دولت‌های عربی علاوه بر میراث سیاسی و تاریخی منحصر به خود، نمودی از مسائل قومی، دینی، اجتماعی و اقتصادی مختلف هستند؛
۳. قدرت شبکه‌های اجتماعی باید در نظر گرفته شود؛ زیرا اعراب از آنها استفاده می‌کنند، پس نمی‌توان شبکه‌های اجتماعی را مسدود کرد. در حال حاضر نیز خاورمیانه و کشورهای عربی شاهد رشد شبکه‌های اجتماعی به مراتب قوی‌تر از فیس‌بوک و الجزیره هستند. مساجد نیز در کنار شبکه‌های اجتماعی وارد کارزار انقلاب شده‌اند؛ اعراب در هر شبانه روز برای پنج بار در مساجد گرد هم می‌آیند. از سوی دیگر، انجمن‌های رفا، تربیت، هم یاری و دعوت اخوان

المسلمین نیازمندی‌های شهروندان کم در آمد را بر طرف می‌کنند. باین حساب نتیجه انتخابات در مصر و تونس را باید فیصله یافته [به نفع انقلابی‌ها] در نظر گرفت.

اسرائیلی‌ها با تکرار کلمه‌های زلزله، طوفان، آتشفشان و تحرکات در توصیف رویدادهای بهار عربی، صاحب گفتمان ویژه خود هستند؛ زیرا نظام‌های عربی پس از دهه‌ها پایداری اکنون در خطر سقوط قرار گرفته‌اند و به دنبال آنها تمام منطقه در خطر بی‌ثباتی است.

نا آرامی‌ها در جهان عرب به نام مدرنیته، سکولاریسم و دموکراسی آغاز شد و به سرعت به سمت قیام‌های گسترده پیش رفت. بعد از آن انقلاب‌ها به جنبش‌های مقاومت ثابت منطقه را به چالش کشیدند و به توانمندی نظام‌های اسلامی کمک کردند.^۲ ژنرال گیورا ایل‌اند^۳، رئیس پیشین موسسه پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل و یکی از متفکران امنیتی اسرائیل که به مراکز تصمیم‌گیری در تل‌آویو نزدیک است، درباره انقلاب‌های عربی هشدارهای متوالی داد و گفت: اگر چه انقلاب بزرگ و با تغییرات ریشه‌ای در صحنه منطقه و همچنین در روابط دو جانبه سیاسی و اقتصادی دیگران با اسرائیل رخ نداده، ولی تغییرات تاکتیکی در قالب گسترش قاچاق سلاح و عملیات‌های خصمانه پدیدار شده است؛ اما با وجود این خطر واقعی در پیامدهای صدور بهار عربی به دولت‌های همجوار اسرائیل به ویژه پادشاهی اردن نهفته است؛ زیرا انقلاب دمکراتیک اردن زمینه قدرت‌یابی اکثریت فلسطینی ساکن این پادشاهی را فراهم می‌آورد و به دنبال آن ماهیت درگیری اسرائیلی فلسطینی با فرض ارائه پیشنهادها جدید برای حل و فصل ماجرا تغییر می‌کند.

به این ترتیب در همان زمان، اسرائیلی‌ها ترس‌شان را نسبت به اثر پذیری منفی از انقلاب‌های عربی بابت سیطره جنبش‌های اسلامی بر این انقلاب‌ها پنهان نکردند؛ زیرا این جنبش‌ها بیش از پیش از گروه‌های دیگر فرایند تحولات سیاسی جوامع دستخوش انقلاب، مشارکت داشتند. سوار شدن جنبش‌های اسلامی بر موج انقلاب‌ها با ناامیدی اعراب از حل و فصل قضیه فلسطینی‌ها و اسرائیل و از دست رفتن فرصت‌های پیاپی برای حل اختلاف‌ها مصادف شده است.

یوسی ورتز؛ مستشرق اسرائیلی می‌گوید ((کارشناسان امنیتی اسرائیل در توصیف جنبش‌های منطقه عنان از کف داده و از عبارت سونامی عربی استفاده می‌کنند که استقرار اسرائیل را در خانه‌اش، به خطر انداخته است. آنان از ناظران امر می‌خواهند با چشمان باز و با لزوم تقویت ساز و برگ امنیتی خویش برای انواع سناریوهای ممکن به ویژه از اعتبار افتادن توافقنامه‌های پیشین یا هر تغییر دیگر در حاکمیت طرف عربی آماده باشند)).^۴

سیلوان شالوم، معاون سابق نخست‌وزیر اسرائیل، نیز با اطمینان می‌گوید: انقلاب‌های عربی منطقه به منزله یک فاجعه برای اسرائیل است؛ زیرا هم پیمانان اسرائیل، حسنی مبارک، بن‌علی را از قدرت ساقط کرد و فرمانروایانی که دوست اسرائیل خواهند بود را بر سرکار آورد.^۵

اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند تا دامنه وسیع انقلاب‌های عربی و خروجی این انقلاب‌ها و تأثیر آن بر آینده رژیم اشغالگر را در دو نقطه مشخص کنند.

۱. نقطه اول: ضعف دولت‌های هم‌پیمان با غرب به دنبال کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه، علاوه بر کاهش قدرت اعراب

به نفع دیگران از جمله ایران و ترکیه

۲. نقطه دوم: شکل‌گیری صحنه جدید در منطقه با استعداد تهدیدات بی‌شمار برای اسرائیل که در موارد زیر نمایان می‌شود.

الف) شک و تردید نسبت به رفتار حاکمان دولت‌های همجوار با فلسطین اشغالی نسبت به انقلاب‌ها و تهدیدها و چالش‌های برخاسته از آن؛

ب) افزایش فعالیت‌های خصمانه؛

ج) کاهش قدرت بازدارنده اسرائیل؛

د) رشد انزوای منطقه‌ای اسرائیل؛

و) ادامه چالش هسته‌ای ایران؛^۶

اما بخش سیاسی انقلاب‌های عربی یک تنگنای استراتژیک برای اسرائیل می‌آفریند که به صورت مستقیم بر وضعیت سیاسی اسرائیل اثر مخرب می‌گذارد. از جمله:

۱. افزایش انزوای اسرائیل در منطقه به دنبال سقوط حسنی مبارک، در مصر که هم پیمان مهمی برای اسرائیل به حساب می آمد
 ۲. نگرانی اسرائیل از نتایج درگیری بین نیروهای دموکراسی خواه و اسلامگراها بر سر حاکمیت در کشورهای عربی در مرحله پس از انقلاب. اسرائیل بابت حل و فصل درگیری به نفع اسلامگراها و قدرت یابی آنان در وحشت به سر می برد.
 ۳. از بین رفتن نقش منطقه ای حسنی مبارک به عنوان یکی از بزرگترین دوستان اسرائیل و به دنبال آن از بین رفتن توازن دقیق قوا در خوار میانه به زیان اسرائیل با نظر بیامین بن الیعزر^۷
 ۴. وحشت اسرائیل از تبدیل شدن تدریجی مصر به دولتی قوی در منطقه مانند ایران و ترکیه، تا جایی که اسرائیل در برابر یک محور منطقه ای با حضور ایران و ترکیه و مصر قرار گیرد.
 ۵. نگرانی از ادامه بی ثباتی در منطقه عربی و این مسئله برای اسرائیل به مراتب از موضوع دموکراسی مهمتر است.
- در پرتو دگرگونی‌های دنباله داری که در انقلاب‌های عربی به وقوع می‌پیوندد، دو چالش اساسی پیش روی اسرائیل قرار می‌گیرد که به شرح ذیل است.
۱. سطح اول: به صورت مستقیم متوجه وضعیت مصر است؛ زیرا وقتی که در مصر یک نظام دموکراتیک معتدل بر سرکار بیاید اسرائیل نیز به دلیل همسایگی با مصر در موقعیت سختی قرار می‌گیرد و با مشکلات دشواری رو به رو می‌شود که ساده‌ترین راه بیان آن چنین است: یقین به شک یا به عدم اطمینان تبدیل می‌شود؛
 ۲. سطح دوم: به نتایج کلی در خاورمیانه مربوط می‌شود: زمانی که جنبش‌های مردمی ثبات سیاسی را در دولت‌هایی که سرچنگ با اسرائیل ندارند بیش از سایر کشورها متزلزل کنند. پادشاهی اردن و حکومت خودگردان فلسطین بر اساس نظر اسرائیل در زمره دولت‌های معتدل هستند. افرادی که قائل به سناریوی سطح دوم هستند، حتی ذره‌ای به عواقب این تهدید خوش بین نیستند.
- مشکل استراتژیک اسرائیل به دنبال انقلاب‌های عربی در انزوای حداکثری این رژیم در خاورمیانه و از دست دادن دوستانش قابل تعبیر است. این مهم با فروپاشی پیمان ترکی اسرائیلی، انزوای گسترده اسرائیل در منطقه و ضعف آشکار آمریکا در خاورمیانه پدیدار شده است؛ بنابر این شرایط، اسرائیل باید به دنبال هم پیمانان جدید باشد و این چالشی است که اینتامار لوین، پژوهشگر دیپلماسی اسرائیل به آن پرداخته و معتقد است تحولات کنونی از اسرائیل مطلبد تا آمادگی تاکتیکی و استراتژیکی خود را در سطوح مختلف به شدت بالا ببرد.^۸
- به نظر می‌رسد قوی‌ترین جملات در رابطه با بن بست اسرائیل در برابر انقلاب‌های عربی بر زبان رئیس سابق این رژیم، شیمون پرز جاری شده است که به روشنی بر بدبینی او نسبت به وضعیت بین‌المللی اسرائیل اشاره دارد. او گفت حتی یک نفر هم نمی‌داند اعتراضاتی که کشورهای عربی را در بر گرفته چگونه پایان خواهد یافت؛ زیرا تندروهای اسلامگرا در مصر و تونس توانسته‌اند در هرم قدرت بالا بروند و نیروهایشان را مستحکم کنند.
- بر اساس این مطالبی که مطرح شد گرایش غالب در تحلیل اسرائیلی‌ها از انقلاب‌های عربی بر این مهم تاکید دارد که رویدادهای پیرامونی هشدار برای تغییر محیط استراتژیک اسرائیل و برچیده شدن قضاوت‌های سابق است؛ زیرا تفکر سیاسی اسرائیل تا پیش از بهار عربی اسیر صورتی قدیمی بود که از جنبش‌های مردمی در سال‌های گذشته برای خود رسم کرده بود؛ دولت‌های عربی بر اساس این تصور قدیمی توجهی به نوسان تغییرات جامعه عربی از سال ۱۹۷۳ نداشته است یا به عبارت درست‌تر، مجال به روز آوری پیدا نکرده است.
- بازگشت به گذشته امکان ندارد، این درسی که اسرائیل باید از انقلاب‌های کنونی بگیرد و با پیامدهای دشوار آنها دست و پنجه نرم کند. تجربه ثابت کرده که نهایت تصمیم با مردم و آینده در دستان آنهاست. این یعنی اسرائیل باید در سیاست گذشته خویش تغییرات ریشه ای ایجاد کند و بداند که ادامه سیاست‌های سابق که در دهه اخیر با افراط گری بیشتری همراه شده دیگر ممکن نیست؛ دوره ای که احزاب راستی تر شده اند و قواعد جدید اسرائیل برای حل و فصل مناقشه عربی اسرائیلی به معنای جنگ ابدی خواهد بود.^۹
- ذکر این نکته ضروری است که دیدگاه فوق در ابتدای قیام‌های عربی برای اسرائیلی‌ها ایجاد شد؛ اما با گذشت حدود یک سال به ویژه پس از انقلاب مصر در اواسط سال ۲۰۱۳ موضع گیری اسرائیلی‌ها نیز تغییر کرد؛ نیروهای امنیتی اسرائیل متوجه شدند دگرگونی‌های اطرافشان با وجود زیان‌هایی که به وجود آمده، به نفع آنها نیز تمام شده است. به عبارت دیگر، صرف نظر از سقوط

تعدادی از رژیم‌های موافق با کیان اسرائیلی، اما دامنه اعتراضات به کشورهای ضد اسرائیلی از جمله سوریه نیز کشیده شده است و نظامی که تا چندی پیش دشمن سر سخت اسرائیل به حساب می‌آمد، اکنون درگیر جنگ داخلی شده و به دنبال آن تهدیدات پیرامونی رژیم اسرائیل نیز فروکش کرده است. به ویژه آنکه رفتار مشابه ارتش‌های عربی سوریه و مصر با مردم باعث شد تا ارتش‌های سوریه، مصر و عراق (به خاطر درگیری با داعش) دیگر به مناقشه عربی اسرائیلی فکر هم نکنند.

با تمام این تفاسیر اما محیط استراتژیک اسرائیل تا قبل از جنبش‌های عربی وضعیت بهتری داشت. سرویس امنیتی اسرائیل در همان اوایل اطمینان حاصل کرد که جوانی به اسم محمد بو عزیزی، در شهرستان سیدی بو زید تونس، در اعتراض به اوضاع بد اقتصادی خودش را به آتش کشیده است.

حسنى مبارك، رئيس جمهور مصر به فاصله هجده روز از كرسى قدرت به زير كشيده شد. جوانان يمنى تجربه ميدان التحرير مصر را تكرر كردند و جهانيان را با حضور پر شور و انقلاب مسالمت آميز خويش شگفت زده كردند و انقلابى ها در ليبي در هفدهم فوريه كار خود را براى سرنگونى قذافى و روى كار آوردن نظام جديد آغاز كردند.

مراکز پژوهشى و تصميم ساز اسرائيل به دنبال شكل گيرى قطب مردمى تلاش كردند و به يك سوال اساسى پاسخ بدهند؛ اسرائيل چگونه مى تواند از اغتشاشات كنونى خاورميانه در راستاى بهبود و استحكام سيطره خويش بر منطقه بهره بردارى كند و قيام هاى فعلى را به خدمت خويش در آورد؟ اسرائيل با چشمان خود ديد كه جمعيت متراكم توانست در تونس و مصر دو رئيس جمهور به نام هاى زين العابدين، حسنى مبارك را سرنگون كند. حال اين جمعيت اعتراضى در حال گسترده دايره نفوذشان در همه خاورميانه بودند.

حلقه هاى امنيتى اسرائيل به هنگام برآورد موقعيت استراتژيك اين رژيم در برخورد با انقلاب هاى عربى گزينه هاى را مطرح كرده اند كه به شرح ذيل است:

۱. بى ثباتى اسرائيل و شكل گيرى ساختار هاى كه آشتى جويى كمترى با رژيم خواهند داشت
۲. نيرومند ساختن ائتلاف ضد ايرانى در خليج فارس به منظور مقابله با افزايش نفوذ اين كشور در سوريه و لبنان
۳. امكان بروز درگيرى طولانى مدت با سوريه و فلسطينى ها
۴. کاهش وزنه منطقه اى مصر و سوريه به دليل سرگرم شدن به درگيرى هاى داخلى و افزايش تاثير منطقه اى تركيه و عربستان سعودى
۵. فشار بر حزب الله اين امكان را فراهم آورد تا مسائل امنيتى با لبنان به گونه اى حل و فصل شود كه بتواند از ثبات آن تا حدى زيادى اطمينان داشت.^{۱۰}

برداشت امنيتى اسرائيل در تفسير انقلاب هاى عربى گرد محور هاى در گردش است:

۱. تمام شرايط قيام هاى عربى از سال هاى دور فراهم بوده است. نظام هاى استبدادى در سالهاى دهه هشتاد و نود قرن بيستم در بسيارى از مناطق جهان از جمله شرق اروپا، آمريكاي لاتين و آسيا بر سر كار آمدند. در حالى كه همزمان دنياى ما شاهد تغييراتى نيز در نظام هاى توتاليتير بود و همين دولت هاى اقتدار گرا به سمت فضاي باز، اعطاي آزادى ها، پيشرفت اقتصادى و مدرن سازى گام برداشتند.
۲. انقلاب هاى عربى از پشتوانه رهبرى محروم بودند؛ بنا بر اين دستگاه هاى امنيتى اسرائيل به سختى مى توانستند نام هاى را به عنوان رهبران قيام ها مطرح كنند و به عبارت ديگر از آن دست شخصيت هاى برجسته ديگر انقلاب ها نمى توان سراغى گرفت.

بانيان امر در تمام كشور هاى كه فرايند انقلاب در آنها تكميل شده و يا زدوخورد در آنها همچنان ادامه دارد از ميان آوردن اساس حاكميت سياسى خويش اعم از اينكه مبنا مردم يا قرآن يا سنت باشد خوددارى مى كنند. اسمى هم از دكترين اقتصادى دولت هاى انقلابى به ميان نمى آورند كه مثلاً قرار است با كدام يك از شيوه هاى سوسياليستى يا سرمايه دارى يا اسلامى كشور را از بحران هاى ديرينه اقتصادى رهاى بخشند؟^{۱۱}

نگرش‌های اسرائیل در قبال انقلاب‌های عربی (برندگان و بازندگان)

اسرائیل با گذشت چهار سال از شروع انقلاب‌های عربی و وارد شدن آن به پنجمین سال همچنان مثل روز اول در حال چارچوب بندی برندگان و بازندگان بازی است.

رودیدادهای جهان عرب در مسیرهای مختلف و حتی متضاد با یکدیگر در حال حرکت هستند، در حالی که راه نرفته بیش از مسافتی است که پیموده شده است و اکثر شاخص‌های منطقه‌ای توازون بین قوا را نشان می‌دهند؛ اما با وجود این سرویس‌های امنیتی اسرائیل بنا بر مصالح رژیم اشغالگر، پیوسته در حال بررسی داده‌های اطلاعاتی خویش هستند تا بتوانند یک پاسخ اساسی به این سؤال بدهند: برندگان و بازندگان زمین انقلاب‌های عربی چه کسانی هستند؟

تیم اول: برندگان

الف) جنبش‌های اسلامی

جنبش‌های اسلامی برنده بزرگ بازی در سال اول انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲) در تونس، لیبی، مصر و سوریه دستخوش جنگ داخلی بودند تا حدی که علائم صعود آنان در هرم قدرت کشورهای خاورمیانه آشکار شد. اما در حوزه مسائل استراتژیک، رئیس پیشین شاباک، کرمی گلیون، وحشت خود را درباره نفوذ رو به فزونی اخوان المسلمین در مصر بنا به دلایل ذیل علنی کرد:

۱. عقیده اخوان المسلمین درباره اسرائیل متفاوت از سکولارها است.
۲. اخوان المسلمین در قیاس با نیروی سیاسی حاضر در منطقه از انسجام سیاسی و اجتماعی به مراتب بهتری برخوردار است؛
۳. اگر میدان تحریر مصر از حامیان آنها پر شود خود به خود مجوز قانونی بودن فعالیت‌های آنان صادر می‌شود.

ب) قطر

نظر سرویس‌های امنیتی اسرائیل بر این است که شبکه قطری الجزیره با میزانی از چهره‌های برجسته انقلاب‌های عربی و افراد تصمیم گیرنده در این انقلاب‌ها علاوه بر نقش منحصر به فردی که در تحریک جنبش‌های عربی بازی می‌کند به دنبال تثبیت موقعیت منطقه‌ای خویش است. بر همین اساس، کارشناسان حمله بی‌امان خود را برای تخریب چهره شبکه الجزیره و زیر سؤال بردن صداقت این خبرگزاری شروع کردند. مرکز گفتگوهای استراتژیک دانیال آهام، سمیناری با موضوعیت عملکرد شبکه الجزیره در فرایند انقلاب‌های عربی با مشارکت اپرایم سنه، جانشین وزیر پیشین دفاع اسرائیل در دانشکده نتانیا، برگزار کرد. او مدعی شد که شبکه الجزیره به محور مقاومت ضد اسرائیلی پیوسته است و بر اساس تمام معیارها برای اسرائیل یک دشمن و یک خطر وجودی به شمار می‌آید. او ادامه داد که شبکه الجزیره درگیری بین اسلامگراها و بین کسانی که می‌خواهند در اردوگاه غرب باشند را مدیریت می‌کند.^{۱۲}

ج) ترکیه

مطابق با ارزیابی امنیتی اسرائیل، ترک‌ها خود را برنده انقلاب‌های عربی تصور می‌کنند، به عبارت دیگر، آن‌ها با وجود پرداخت هزینه سنگین سیاسی بابت موضع‌گیری مبهم در قبال بحران لیبی، زیان دهی میلیاردی دلاری در سرمایه‌گذاری‌های لیبی و سوریه، برخورد با چالش‌های سخت به خاطر همجواری با سوریه و دست و پنجه نرم کردن با جنبش کردها در داخل، اما همچنان خود را برنده ناآرامی‌های جهان عرب می‌دانند.

افرا بنجیو، مسئول سابق امنیتی موساد در بخش کردهای خاورمیانه گفت ترکیه در پرتو نوسانات خاورمیانه به دستاوردهای بسیاری دست یافته است. برای مثال حادثه کشتی ماوی مرمه در سال ۲۰۱۰، و موضع‌گیری آنها در قبال یورش اسرائیل بر غزه که عملیات الرصاص المصبوب، در سال ۲۰۰۹ مشهور است، ناگهان موقعیت ترک‌ها را در جهان عرب تقویت کرد، به گونه‌ای که آنان اجازه یافتند وارد بازار و بسیاری دیگر از کانال‌های عربی شوند.^{۱۳}

د) اسرائیل

واگرایی و به خود سرگرم شدن محیط شدن استراتژیک پیرامون اسرائیل از منظر امنیتی به نفع اسرائیل تمام شد. تعدادی از امنیتی‌های اسرائیلی از جمله موشه یلعون وزیر جنگ اسرائیل، گیورا ایل‌اند و عاموس یدلین هرچند به صورت پراکنده در این باره سخن گفته‌اند.

تیم دوم: بازندگان

زمانی که سخن از بازندگان انقلاب‌های عربی به میان آمد، سرویس‌های امنیتی اسرائیل به صورت مشروح و مفصل به ارزیابی‌های دوره‌ای پرداختند و اسامی بازندگان انقلاب‌ها را به شرح ذیل مشخص کردند.

الف) حاکمان عرب

رهبران مصر، تونس، لیبی و یمن سرنگون شدند و صدها هزار نفر در لیبی و سوریه کشته شدند و فریاد خشم مردم در سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی این شش دولت طنین انداز شد.

ب) ایالات متحده آمریکا و غربی‌ها

دو هم پیمان مهم ایالات متحده در مصر و تونس سرنگون شدند و سرنگونی مبارک به شکل ویژه برای سعودی و اسرائیل گران تمام شد، علاوه بر این‌ها به موازات بی ثبات شدن لیبی و یمن فرصت نیرومندی القاعده در منطقه فراهم آمد.

ج) اسرائیل

به نظر می‌رسد اسرائیل به بدترین وجه بازنده انقلاب‌های عربی است و همچنان انتظار می‌رود وضعیت به زبان این رژیم ادامه داشته باشد. ممکن است به نظر به برسد که اسرائیل به آرامش نسبی پس از طوفان انقلاب‌ها و تغییرات عربی رسیده است و افق رویدادها هرگز به نفع اسرائیل نخواهد بود.

د) ایران

ایران در ابتدای انقلاب‌های عربی بابت سرنگونی حکومت‌های سرسپرده به غرب و هم پیمان اسرائیل راضی به نظر می‌رسید. خوشحالی ایران زمانی بیشتر شد که شیعیان بحرین علیه آل خلیفه قیام کردند و قیمت جهانی نفت نیز رو به افزایش گذاشت؛ اما با رسیدن بهار عربی به سوریه، هم پیمان بزرگ ایران در جهان عرب، ناگهان دچار زیان جبران ناپذیری گردید؛ زیرا تهدید حاکمیت سوریه به تقویت پایگاه سلفی‌ها در سعودی و تضعیف حاکمیت شیعه منجر می‌شد. بر اساس مطالعات و ارزیابی‌های صورت گرفته، تغییرات جهان عرب به نفع جمعیتی رقم خورد که با آمریکا دشمنی رشیه ای دارند.

مئیر لیتواک، تحلیلگر ارشد دانشگاه تل آویو در امور ایران اعتقاد دارد که هرچند ایران بابت سقوط مبارک در مصر نفسی راحت کشید، اما در روند انقلاب‌های مداوم عربی ضررهای بسیاری دیده است. برای نمونه ایران هنوز نتوانسته است با نصر بعد از حسنی مبارک ارتباط قدرتمندی برقرار کند. (محمد مرسی رئیس جمهور گذشته مصر که تنها شخصی است که به صورت دموکراتیک انتخاب شده به در حاشیه دیدار با رئیس جمهوری وقت ایران (محمود احمدی نژاد) در اجلاس سران غیر متعهدها دیدار داشته است و بیان نمود ایران کشور دوست و برادر ما می باشد.)

یادآوری این نکته ضروری است که در ارزیابی برندگان و بازندگان انقلاب‌های عربی نوعی عدم استقرار و سیالیت وجود دارد، برای مثال حتی درباره اسرائیل که بابت شعله ور شدن انقلاب در مصر و سقوط مبارک، خسارت سنگینی متحمل شد و به سرعت از شورش‌های سوریه ابراز شادمانی کرد نمی توان نظر ثابتی ارائه کرد.

اسرائیل مصادف با شعله ور شدن انقلاب‌های عربی و تا هم اکنون موضعی خصمانه در قبال آنها در پیش گرفته است. این برداشت منفی به عواملی بر می‌گردد که به تعدادی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱. نظام مصر به عنوان مهمترین هم پیمان اسرائیل در دهه های گذشته در امواج انقلاب غرق شد. این درحالی است که خدمات مصر مبارک به اسرائیل قابل ارزش گذاری نیست.
 ۲. ظرفیت واقعی و قابل لمس انقلاب ها به آنها امکان می دهد دولت های عربی را از ساختار استبدادی و فاسد موجود رهایی بخشند و نظامی دموکراتیک و مدرن بر سرکار بیاورند. نظام های برآمده از انقلاب ها علاوه بر گسترش آزادی مدنی مدرن سازی کشورهای عربی می توانند خود را با گذشته، حال حاضر و محیط عربی سازگار کرده و برای بازیابی آرامش، اقتدار و استقلال عربی فعالیت کنند. این چیزی است که اسرائیل علاقه ای به آن ندارد.
 ۳. اسرائیل با حاکمیت دموکراسی در کشورهای عربی منطقه مخالف است و ادامه کار نظام های دیکتاتوری را در کشورهای عربی ترجیح می دهد؛ زیرا هم این نظام ها و هم اسرائیل از خطر اسلام سیاسی هراس دارند. علاوه بر این، اسرائیل بر اساس تجربه می داند که برقراری آشتی و پیگیری منافع مشترک خانواده های حاضر در راس حکومت های استبدادی و فاسد به مراتب شدنی تر است تا اینکه بخواهد با نظام های مردم سالار رابطه دوستی و مودت برقرار کند.
 ۴. انقلاب های عربی اهمیت افکار عمومی اعراب را با این ویژگی که مخالف سیاست اسرائیل هستند بر ملا کرد. با وجود آنکه سرویس های امنیتی اسرائیل بارها از دولت اشغالگر خواستند به آشکار در حمایت از یک طرف و مخالف با طرف دیگر موضع گیری نکنند و وانمود کند در رابطه با انقلاب ها و جنبش های عربی بی طرف است؛ اما آنچه در خیابان های قاهره، تونس، طرابلس، دمشق و صنعاء روی داد به ما ثابت کرد قیام های عربی فقط یک موضوع داخلی نیست بلکه منافع و مصالح اسرائیل از این قیام ها متأثر هست.
- دو سرویس امنیتی موساد و آمان به خاطر وحشت از اثر گذاری ناگهانی تحولات منطقه بر امنیت اسرائیل در حال جمع آوری فوجی از گزارش ها و اخبار اطلاعاتی هستند که توسط پیگیری های رسمی اسرائیل در رابطه با تحولات کشورهای منطقه در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی و استراتژیک هستیم.
- دستگاه های امنیتی. اداره های تصمیم سازی اسرائیل جلساتی را با مشارکت اعضای کابینه وزیران با تخصص امور سیاسی و امنیتی، افسران بلندپایه بخش اطلاعات نظامی و تمام گروه ها و مراجع متخصص در برآورد موقعیت ها به منظور بحث و بررسی درباره گزارش های اطلاعاتی میدانی از صحنه منطقه تشکیل دادند. خروجی این جلسات بر این تکیه داشت که اسرائیل باید حداکثر فرصت ها را با در نظر گرفتن خطرهای ناشی از زلزله انقلاب های عربی به دست بیاورد.
- تونسی ها پیشقدم تحولات جهان عرب شدند، اما انقلاب مصر و شورش های داخلی سوریه بود که توسط اسرائیل به عنوان تحولات منطقه ای و بین المللی در نظر گرفته شد؛ زیرا هم مصر و هم سوریه اهمیت تاریخی، جغرافیایی و جمعیتی برخوردار هستند و هر حادثه ای که این دو کشور را با خود درگیر کند می تواند انزوا و محاصره بین المللی اسرائیل را تشدید کند و بر توازن قوای منطقه نیز تاثیر گذار باشد.^{۱۵}

جایگاه اسرائیل در انقلاب های عربی

اسرائیل در دهه های گذشته همواره بر سیاست همسایه های ضعیف، پراکنده و بی طرف متمرکز بوده است؛ بنابر این طبیعی است که این رژیم در طول چهار سال که از شروع انقلاب های عربی می گذشت (۲۰۱۱-۲۰۱۵) تا هم اکنون در دو سطح منطقه ای و بین المللی در تنگنای استراتژیکی، امنیتی، نظامی به سر می برد.

آهارون زیوی فرکش، رئیس پیشین بخش تحقیقات در اطلاعات نظامی اسرائیل عقیده دارد انقلاب های عربی آرامش اسرائیل را به واسطه بر هم زدن واقعیت ایده آل برای این رژیم بر هم زده است. اردن به حاشیه رانده شده است، لبنان غرق در هرج و مرج و درگیری های داخلی است و مصر از همه مهمتر است، زیرا یک طرف توافقنامه های صلحی است که بندهای آن عدم درگیری در صحرای سینا را تضمین می کند و سوریه همچنان ظرفیت خطر آفرینی را دارد؛ اما در حقیقت این مسئله جدی نیست، زیرا بخش قابل توجهی از تمرکز سوریه صرف سیطره بر لبنان می شود.^{۱۶}

تحلیل استراتژیک اسرائیلی ها در رابطه با انقلاب های عربی شکل اسفناکی در پیش بینی رویدادها و سرنوشت قیام ها با شکست مواجه شد. مراکز پژوهشی، سرویس های امنیتی و ارزیابی های اندیشمندان این رژیم حتی با وجود رویکردهای متفاوت نتوانست پیش بینی درستی از رویدادها و سرنوشت قیام ها ارائه بدهد؛ اما رژیم اسرائیل با وجود نگرش منفی به انقلاب های عربی بابت

ارزیابی جریان های فکری منعبت از این انقلاب ها به شدن احساس نگرانی کرد؛ زیرا از ابتدا قرار بر این بود که تمام سناریوها در نظر گرفته شود، حتی اگر اسرائیل به انقلاب های عربی بد بین باشد.

با این حال، اسرائیل رویکرد امنیتی خود را در قبال انقلاب های عربی بر مجموعه ای از ضوابط و عوامل تعیین کننده به شرح ذیل بنا نموده است:

۱. هم اکنون راه برای نیروهایی که مخالف اسرائیل هستند و می خواهند به نام دمکراسی بر کرسی قدرت بنشینند باز است. اگر این روند ادامه پیدا کند فرایند آشتی با اعراب دچار ضرر خواهد شد؛
۲. قطب های ضد اسرائیلی منطقه ای و فرا منطقه ای، وقتی ببیند دشمنان اسرائیل در کشورهای میزبان انقلاب ها به قدرت دست یافته اند برای استحکام و تقویت نفوذ خود رد خاورمیانه تلاش خواهند کرد. در اینجا اگر اسرائیل برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف ها با کشورهای عربی عجله نکند باید شاهد کمک های حداکثری به جنبش های مقاومت فلسطینی و استحکام مواضع و قدرت این جنبش ها در برابر خود باشد؛
۳. نیاز های امنیتی اسرائیل رو به افزایش است، پس افزایش بودجه ارتش و در پیش گرفتن سیاست آماده سازی آن نیز لازم است.

انقلاب های عربی از طرف اسرائیل به دلیل دامن زدن به جنبش های مردمی دگرخواه، تخریب روابط اسرائیل و اعراب و بی مسئولیتی در قبال فرایند صلح، متهم به اخلال استراتژیکی در منطقه شده اند. بر همین اساس، بحث های امنیتی اسرائیل با در نظر گرفتن تحلیل دوید بو کایل، از دانشگاه حیفا، به موارد ذیل تقسیم می شود:

۱. ناآرامی های جهان عرب نشان داد که مناقشه فلسطین دلیل بی ثباتی خاورمیانه نیست بلکه استبداد سیاسی و فقر دو عامل محوری در نا آرامی منطقه است. در تایید این مسئله باید گفت موضوع فلسطین در شعارهای معترضان حاضر در صحنه انقلاب ها بروز جندانی نداشت؛
 ۲. انقلاب های عربی با طرح احتمالات تازه به سرگشتگی تفکر امنیتی اسرائیل دامن زد تا جایی که نهاد های امنیتی رژیم اشغالگر قدس از تحلیل و واکنش متحد در قبال رویدادهای منطقه نا توان شدند؛
 ۳. دستیابی اسرائیل به حل و فصل اختلافات با سوریه به تضعیف ائتلاف ایران و سوریه کمک خواهد کرد و به دنبال آن بنیادگرایی در منطقه رو به افول خواهد گذاشت. این مسئله زمانی اهمیت خود را آشکار می کند که اسرائیل پس از ایران [پهلوی]، ترکیه را نیز به واسطه حوادث کشتی مرمره (۲۰۱۰) در سواحل غزه از دست داد. نگرانی بابت از دست رفتن نقش مصر در مهار جنبش حماس را نیز باید بر موارد قبلی افزود. (آنچه آمد نظر ایلان میزراحی، معاون سابق رئیس موساد است)
 ۴. خطرات انقلاب های عربی، اسرائیل را به انجام اقدامات پیشگیرانه از جمله اشغال دوباره غزه و داشت، زیرا اخوان المسلمین تلاش می کنند تا در پرتو فضای باز سیاسی جدید در مصر به غزه در برابر اسرائیل کمک کنند و همین امر به نا امنی اسرائیل و البته خود غزه منتهی گردید.
- دگرگونی های مداوم امنیتی در جهان عرب یک سوال اساسی برای اسرائیل مطرح کرده است: آیا اقدامات امنیتی دولت به منظور پیگیری تغییرات منطقه ای و به طور کلی پیلدهای آنها کافی بوده است؟ زیرا طوفان حوادث تاریخی که خاورمیانه را درنوردید، هم اکنون یکسری نتیجه گیری های کلی را می طلبد تا بتوان به وسیله آن پاسخی به تغییرات آینده و آثار احتمالی اش بر روابط اسرائیل با دولت های برآمده از انقلاب ها داد.
- نظام ارزیابی امنیتی اسرائیل برای تحلیل انقلاب های عربی و ابعاد و آثار بالقوه آنها بر رژیم اشغالگر یکسری فرضیه ها را در نظر گرفته است. این فرضیه ها به شرح ذیل هستند.
۱. با وجود شباهت های بسیار، اما جنبش های منطقه از یک جنس نیستند؛
 ۲. منابع آشفتنگی در تظاهرات های مردمی صورت قابل لمسی پیدا کرده است تنها به براندازی نظام های استبدادی منحصر نمی شود بلکه بعد روانی سیاست و مادی اقتصاد نیز در لیست منابع آشفتنگی قرار دارند؛
 ۳. قرار نیست تمام تغییرات ناشی از مکانیزم انقلاب ها به ویژه تغییرات منطقه ای برای اسرائیل منفی باشد، اما انقلاب ها به تهدیدات و خطرهای اساسی اشاره می کنند.

اسرائیل نقش زیادی در برنامه‌ریزی، توطئه و به شکست کشاندن انقلاب‌های عربی داشته است. بر اساس این دلایل، اسرائیل از طریق سیستم امنیتی‌اش به خود می‌نگرد و با احتیاط و از طریق عدم اتخاذ اقدامات خطرناک همراه با اولویت بخشیدن به گزینه انتظار و نظارت بر حوادث عربی به سمت برخورد با تحولات منطقه پیش می‌رود زیرا تا این لحظه، به صورت نهایی تصویر منطقه شکل نگرفته و شکل‌گیری کامل تصویر منطقه، تأثیرات و پیامدهای زیادی برای اسرائیل خواهد داشت. به عبارت دیگر، انقلاب‌های عربی به ضرر اسرائیل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

به هر حال دولت اسرائیل در ارزیابی خروجی انقلاب‌ها و تأثیر آن بر کشور، بافت و جهت‌گیری‌هایش ناتوان است؛ اما تا حدی می‌تواند از تندوتیزی پیامدها و خطرات بالقوه آنها بکاهد و دامنه تهدیدهای پیرامونی کیان اسرائیلی را کاهش دهد. با این حال خطر بزرگی پیش روی اسرائیل شاید در هشدار حسنی مبارک به آمریکا نهفته باشد؛ مبارک گفته بود تنها جایگزین واقعی به جای حکومت دیکتاتوری‌اش یک حکومت اسلامی است که نه تنها در مصر، بلکه در تمام منطقه می‌تواند بر سر کار بیاید. اسرائیل در روند انقلاب‌های عربی خود را در برابر شرایطی کاملاً ناآشنا دید که از او طلب می‌کرد تا درباره توانایی‌های خویش و آثار سیاسی به وجود آمده بیندیشد؛ بنابراین آماده سازی نقشه‌های احتیاطی در صورت وقوع بدترین سناریوها، استحکام خطوط دفاع مرزی، برپایی سریع پایگاه‌های فرماندهی و واکنش احتمالی به درخواست اعراب برای بازبینی دوباره شرایط صلح باید در مدنظر اسرائیل قرار می‌گرفت.

تحولات عربی و تأثیر آن بر سیستم امنیتی اسرائیل شبیه گلوله برفی است که به تدریج بزرگ‌تر می‌شود و اگر نظام‌های عربی نزدیک به غرب یا همسو با اسرائیل تغییر کنند، موضع‌گیری‌ها نیز به صورت ریشه‌ای و اساسی تغییر خواهند کرد و آن نظام‌ها هرگز نمی‌توانند احساسات مردمشان را درباره ارتباط با تل‌آویو نادیده بگیرند. حتی کشورهایی که بنا بر ملاحظات خاص، امکان تغییر نظامشان وجود ندارد، مواضعشان نسبت به مسئله فلسطین و درگیری عربی اسرائیلی تغییر می‌کند. بعضی از مراکز نزدیک به دایره سیاست‌گذاری اسرائیل، برای مقابله با پیامدهای احتمالی تحولات عربی سناریوهایی را ارائه دادند. همچنین گروه‌های تحقیقاتی و پژوهشی اسرائیلی، دلایل و عوامل را مطرح کردند مبنی بر اینکه تحولات عربی به نفع اسرائیل نیست. این دلایل عبارت‌اند از:

۱. درباره مصر در بین محافل و مراکز اسرائیلی همچنان این سؤال مطرح است که حجم خسارت اسرائیل در روابطش با مصر و ساختار نظام آینده به چه صورت خواهد بود؟ آیا نظام مصر، نظامی پراگماتیسم خواهد بود که پایبند قرارداد صلح امضاء شده هست یا اینکه روابط شاهد بازگشتی جدید است؟

در طول سی سال، اسرائیل به این اطمینان رسید که هرگونه تنش با مصر و هر حادثه‌ای که در عرصه‌های دیگر اتفاق بیفتد، هرگز منجر به آغاز درگیری نظامی حقیقی بین دو کشور نمی‌شود. به همین دلیل، اسرائیل می‌تواند نیروهای خود را در دیگر جبهه‌ها متمرکز کند اما اکنون اسرائیل اطمینان ندارد که در دوره بعدی نیز وضعیت ادامه داشته باشد. این امر بیانگر ضرورت فراهم کردن منابع فراوان برای تأمین نیازهای نظامی امنیتی اسرائیل است تا ارتش بتواند هم‌زمان در چند جبهه فعالیت کند. پیش‌بینی می‌شود که در مرحله بعد شاهد کاهش سیطره امنیت مصر بر مرزها باشیم. به عبارت دیگر، امکان وقوع عملیات فدایی در اراضی مصر وجود دارد.

بعد از کودتا علیه مرسی، سیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید مصر به قدرت رسید. سیسی، فرصت استراحت را به اسرائیل داد. درگیری ارتش مصر با گروه‌های مسلح در سینا باعث شد که اسرائیل وقت خود را صرف جبهه‌های دیگر کند.

۲. در مورد اردن، محافل نزدیک به مراکز سیاست‌گذاری اسرائیل با قاطعیت اظهار داشتند که قدرت نظام اردن به صورت نه‌چندان زیاد کاهش می‌یابد و برای اولین بار در اردن اختیارات پادشاه اردن و ضرورت تودیع اختیارات وی بین پارلمان و قصر و قوانین انتخاباتی موجود مورد بحث و جدل قرار می‌گیرد.

۳. در عرصه فلسطین، با وجود اینکه سازمان‌های امنیتی اسرائیل شاهد آرامش نسبی در این عرصه هستند اما طبق دیدگاه اسرائیل، این آرامش بیانگر وجود تحرکات زیرزمینی است که از خطری بزرگ، یعنی انتقال موج تحولات عربی به عرصه فلسطین

خبر می‌دهد. به همین دلیل، مقامات سیاسی تل‌آویو باید اقدامات پیشگیرانه برای ممانعت از وقوع انتفاضه جدید اتخاذ نمایند. از سوی دیگر، حوادث منطقه روی ملاحظات و طرح‌های اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها تأثیر می‌گذارد.

کتابنامه

- ۱- مهمترین مرکز پژوهشی اسرائیل که بر انقلاب‌های عربی متمرکز هستند عبارت‌اند از: مرکز پژوهش‌های استراتژیک بیگن www.biu.ac.il موسسه رسانه و سیاست حییم هرزوک
- ۲- درباره: الربیع العربی یهدد استقرار المنطقه، سایت اینترنتی شبکه بال www.ipalps.com/ar/he/ipal14295
- ۳- گیورا ایلاند، قلاقل الشرق الاوسط و امن اسرائیل: سلسله گزارشات استراتژیک موسسه پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل دانشگاه تل‌آویو، جولای ۲۰۱۱ hep.inss.org.il/uploadimages/import/%28fil%۲۰۱۱
- ۴- هیشم ابو الغزلان، (اسرائیل فی ظلل التحولات و المخاطر الاستراتيجیه)، روزنامه دنیا الوطن الالکترونیه، pulpit.alwatanviovie.com/content/251238۲۰۱۲/۰۲/۱۳
- ۵- روزنامه معاریف چاپ به صورت زبان عبری، اسرائیل، ۲۸/۰۹/۲۰۱۲ (محمود علی)
- ۶- سامر راشد، المنظور الاسرائیلی لمستقبل الصراع مع الفلسطینین علی ضوء الثورات العربیه، روزنامه حق العوده، اکتبر ۲۰۱۲
- ۷- زینب السحلی، انعکاس الثوره المصریه علی حل القضیه الفلسطینیه، پایگاه روزنامه الکرمل ۲۷/۱۲/۲۰۱۲ (چاپ متنی)
- ۸- نبیل برغال، المخاوف الاسرائیلیه من الثوره السوریه، خبرگزاری لیل و نهار ۲۳/۱۱/۲۰۱۲ (چاپ متنی)
- ۹- هر تسلیا یفتتح اعماله، اسرائیل معزوله و غارقه فی الماضی، روزنامه الاخبار، بیروت، ۰۱/۰۲/۲۰۱۲ (چاپ متنی)
- ۱۰- گیورا ایلاند، الاحتیاجات الامنیه الحیویه لاسرائیل فی المرحله المقبله، روزنامه هآرتص ۰۵/۱۲/۲۰۱۰ (به زبان عبری) (چاپ متنی)
- ۱۱- محسن محمد صالح، السلوک الاسرائیلی تجاه الثورات العربیه، سایت اینترنتی مرکز الزيتونیه للدراسات و الاستشارات، بیروت، ۰۶/۰۴/۲۰۱۱ (چاپ متنی)
- ۱۲- سفیر سابق اسرائیل در مصر، الجزیره صورت لایران من قطر و تعمل لصالح حماس، روزنامه الیوم السابع القايره، www.assabeh.com ۱۳/۰۳/۲۰۱۲ (چاپ متنی)
- ۱۳- افرا بنجیو، اسرائیل و الربیع الکردی، پایگاه اینترنتی وزاره الخارجیه الاسرائیلیه ۰۱/۰۵/۲۰۱۳ (چاپ متنی)
- ۱۴- مارک هیلر، من المبکر الاحتفال بما یحصل فی القايره، معهد اباحت الامن القومي الاسرائیلی، ۰۱/۰۳/۲۰۱۱ (چاپ متنی) یحیی دبوک، موتمر هر تسلیا مشغول بالثورات العربیه، الاخبار ۱۶/۰۹/۲۰۱۱ (چاپ متنی)
- ۱۵- ولید عبدالحی، اسرائیل حیره امام الثورات العربیه المعاصره، مرکز الزيتونیه للدراسات و الاستشارات، ۲۷/۱۱/۲۰۱۱ (چاپ متنی)
- ۱۶- احمد الفاعوری، التحولات الاقلمیه العربیه و اثرها علی نظریه الامن الاسرائیلی فی الفتره (۲۰۰۶-۲۰۱۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم، دانشگاه خاورمیانه ۲۰۱۱ (چاپ متنی)

The Impact of the Arab Revolutions on the Security of the Zionist Regime

Department of political science Faculty of Humanities Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Amirhossein Jozdani/ student, Ph.D

Email: amir.jozani10@gmail.com

Tel: +989198386026

Abstract:

Islamic awakening in Arab countries created hope and transformation among the people of these countries. These revolutions appeared since 2010 and caused a change in the face of the region and internal and external influences. Some current trends in the strategic geography of West Asia are the result of Islamic awakening in Arab countries. These trends did not remain only in the Arab countries and affected Israel as well.

The surveillance of the intelligence organizations of this regime from the Arab movements, intelligence-security measures, successively in order to stop the revolutionary forces, covert and subversive operations inside the Arab countries, extensive collection of news and information about the revolutionary developments, use and establishment of advanced technological systems. Against the Arab countries, it is part of the actions of these services against these revolutions.

This study is devoted to the assessment of Israel's security, because Israel is one of the most important states that closely monitors the events of the Arab region. The Israelis were aware of the hidden capacities of the revolution and the readiness of all its conditions in the Arab countries, because tyranny had conquered Eastern Europe, Latin America and West Asia in the 1980s and 1990s

Keyword: Revolution, Arab Revolution, Israel, Mossad, Zionist regime.